**تاثیر بحران کرونا بر تعلیم و تربیت**

دکتر گلناز سعیدی

عضو هیات علمی دانشگاه و

پژوهشگر تاریخ ایران و جهان

**چکیده**

شیوع ویروس کووید ۱۹ چالشی بی سابقه برای جهان انسانی است. فراگیری بحران کرونـا، بـه دلیـل زیرساخت های ارتباطی در دهکده جهانی، پدیده ای منحصر به فـرد در تـاریخ را شـکل داده اسـت. عـدم شـناخت دقیـق ایـن ویـروس و تبعات آن در جهان انسانی، منجر به وضعیتی بغرنج و پیچیده در مواجهه بـا آن شـد. سرعت همه گیری و غافلگیری این ویـروس تا آن حد بود که نهادهای اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و سیاسی نتوانسـتند مواجهـه درسـتی بـا ایـن پدیده جدید داشته باشند. بـا ایـن شرایط، تعلیق جامعه در شرایط اپیدمی، بـه وضـعیتی منجـر شـده اسـت کـه همه ابعاد و زیرساخت های زندگی اجتمـاعی را دچار شـوکی عمیـق کـرده و نهاد آمـوزش و تعلیم و تربیت نیز مانند سایر نهادها دچار بحران هایی شد و نگرانی هایی را رقم زد. ایـن شرایط نهـاد علـم و آمـوزش کشور را به تکاپویی تازه در عرصه های چندگانه آموزشی، پژوهشی، فنـاوری، فرهنگـی و دانشـجویی سـاخت تـا بـا بـه میـدان آوردن داشـته ها و امکانـات خـود، مسـیرهای تـازه و گشایش های نو به گونه ای طراحی شده باشد کـه کنشـگران در دیگـر نهادهـا بتواننـد بـا سـهولت به اجرای آنها اقدام کنند.

این مقاله تحلیلی فرهنگی از پیامدها و تأثیرات آموزشی بحران ویروس کرونا و از طریق اینترنت، مجلات و کتاب ها انجام گرفته است.

کلید واژه: ویروس،کووید۱۹،آموزش،بحران،تعلیم و تربیت

**مقدمه**

تاریخ علم گواه بر این واقعیت است که در بزنگاه ها و نقطـه های معـین اجتمـاع عالمـان بنـا بـه مسئولیت حرفه ای و اجتماعی شان بیش از هر نیرو و اجتماع دیگر نقش آفرین بوده اند. تمـام تلاش و توانایی خود را معطوف به شناخت و کمک به حل مسـائل جدیـد و تـازه سـر بـرآورده ساخته اند. مسائلی که در برهـه هایی صـورت همـه گیـر پیـدا کـرده و در قامـت مخـاطرهای نـو موجب بیم و نگرانی عموم مردم شده و مناسبات حاکم بر حیـات اجتمـاعی را بـا تمـام شـئون متنوعی که دارند، به تعلیق کشـانده اسـت.

اینکه بحران همه گیری کرونا کووید-۱۹ بـه تغییـرات رادیکال فرهنگـی و جابـه جایی نظام ارزش ها بیانجامد محـل تردیـد اسـت امـا درهرحال تغییراتـی رخ می دهـد. تعمیـق نهاد تعلیم و تربیت و کمـک آنهـا بـه بازسـازی سـبک زنـدگی انسان گرایانه با اولویت مصالح جمعی اسـت. در غیـر ایـن صـورت پس افتـادگی و انـزوای نهـاد تعلیم و تربیت گریزناپذیر است. نهاد نباید فراموش کند کـه گـروه مرجع انـد. گرچه منـابع اقتصادی و سیاسی زیادی در دست ندارند امـا به عنوان منبـع فرهنگـی می تواننـد مشـارکت و نفوذی منحصربه فرد داشته باشند.

نگرانی هایی که شیوع ویروس کوید ۱۹رقم زد جامعه علمی و خانواده بزرگ نظام آموزش کشـور را بـه سـان دیگـر نهادهـا و سازمان ها را درگیر مسائل و موضوعات مترتب بر شیوع این ویروس کرد. ایـن شرایط نهـاد علـم و آمـوزش کشور را به تکاپویی تازه در عرصه های چندگانه آموزشی، پژوهشی، فنـاوری، فرهنگـی و دانشـجویی انداخت تـا بـا بـه میـدان آوردن داشـته ها و امکانـات خـود مسـیرهای تـازه و گشایش های نو را برای اجتناب از هر نوع اختلاف، و کاهش هزینه هایی کـه در اصل مترتب بـر مخارج هـای بـزرگ اسـت تمهیـد و تـدبیر نمایـد. در عرصـه آمـوزش بهره گیری از آمـوزش الکترونیکی و ظرفیت های فضای مجازی و استفاده حداکثری از زیـر سـاخت های موجـود و تجهیز و تقویت آنها در دو سطح سخت افزاری و نرم افزاری در دسـتور کـار همـه مدارس، دانشگاه ها، مؤ سسات و مراکز آموزشی و پژوهشـی قـرار گرفـت. مراکـز آموزشی، دانشگاه ها، پژوهشگاه ها، پارکهای علم و فناوری، مراکز رشد و شرکت های دانـش بنیـان تمـامی اهتمـام خود را مصـروف فـائق آمـدن بـر ایـن مسـئله و بحـران ساخته اند؛ و در ایـن مسـیر تولیـدات و دستاوردهای قابل توجهی داشته اند. در عرصه های فرهنگی و دانشجویی نیز همه مجموعه نظام آموزشی در ارائه مسئولیت اجتماعی که متوجه خود می داند، همکاری و تلاش هایی بین دستگاهی خوبی داشته است. پر واضح است که نوع مسئله به گونه ای است که پیامـدهای وسیع و گسترهایی در عرصه های مختلف علمی، فنی، اقتصادی، اجتمـاعی، فرهنگـی و روانـی در مقیاس های خرد و کلان را در پی دارد. در نتیجه جامعه و حاکمیـت ایـن انتظـار را از نهـاد علم دارد که به تمامی سویه های این مسئله ورود پیدا کرده و با بازکاوی ابعاد آشکار و پنهان آن موجب نوآوری و گشایش شود. افزون بر این تقاضای بازار کار و عرصـه صـنعت و خـدمات و تغییر ساحتهای اجتماعی و تعاملات میـان فرهنگـی و فراسرزمینی در دنیـای آینـده مقتضـی هماهنگی نظام آموزش، علم و فناوری از یکسو و خط مشی گذاری بـرای هـدایت جریان هـای آتی علم و فناوری از سـوی دیگـر اسـت. بـرای تحقـق ایـن امر مطلـوب اسـت وزارت عتـف برنامه های آموزشی و پژوهشی خود را در هماهنگی با نیازهـا و تحولات آتـی تعریـف و تنظـیم نماید. این امر مستلزم آن است که متخصصین حوزه های آموزش و عالمان دانشگاه، علـم و فناوری نسبت به شئون و پیامدهای متعدد مسـئله شـیوع ویـروس کرونـا و نیـز بررسـی تجربـه بین المللی موضـوع مداقـه و اندیشـه امر را داشـته باشـند. امـری کـه می تواند سـودمندی های فراوانی برای تولید دانش و در عرصه های نظری و عملی با خود داشته باشد. به هر حال شرایط سخت حاصل از شیوع بیماری جدای از مشکلاتی که ایجاد کـرده، فرصت هایی را نیـز پـیش روی جامعه ما نهاده است. آینده پیش روی مـا، امـری محتـوم و از پـیش تعیـین شـده نیسـت، بلکه نتیجه کنشگری ها و عاملیت های فـردی و جمعـی همگـان، بویژه نخبگـان و اصـحاب اندیشه است.

**بحران کرونا و تعلیم و تربیت**

سرعت همه گیری و غافلگیری ویروس منجر به وضعیتی پیچیده شده و احتمال تداوم آن تصوری مبهمی را بوجود آورده است. در نتیجه نهاد آموزشی نتوانست با این پدیده جدید درست مواجه شود. با این شرایط، این بحران موجب شوکی عمیق شده و بازاندیشی جدی در تمامی نهادها از جمله تعلیم و تربیت را در دستور کار قرار داده است. این بحران احتمالاً دوره جدید از تاریخ را باعث می شود و آدمی می بایست بقای خود و عملکردهای اجتماعی اش را به کمک مشارکت علمی بین المللی و با تکیه بیشتر بر فضای جدید سایبری و از مجرای کنش های متقابل غیرحضوری استمرار بخشد. نهاد آموزش همانند هر نهاد دیگر متأثر از شـرایط تعلیق است و باید متناسب با آن، اقداماتی انجام دهـد، و از سـوی دیگـر نهـاد علـم و محققـان آموزش، پیشگامان اصلی جامعه انسانی در مواجهه با این ویروس بـرای شناسـایی و مهـار آن هستند. علاوه بر این ها، نهاد علم و آموزش از درون نیز متوجـه تحـولاتی شـگرف و عمیـق در مبانی نظری و ارزشی است تا آنجا که گویی علـم، فرصـتی دوبـاره بـرای بازسـازی خـود و چرخش پارادایمی مهمی به دست آورده است.

**تحول آموزش در دوران کرونا**

تحول در آموزش نوعی باز اندیشـی، و تغییر زیرساخت های درونی و بیرونی آموزش است. نهاد آموزش با جریان های ضد و نقیضی در جهان امروز روبروست، چنانکه به اعتقاد صاحب نظران این حوزه، آموزش دچار وضعیت «فوق پیچیدگی» شده است. این جریان ها، ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی آموزش و آینده آن با ابهام، پیچیدگی و دو گانگی شدیدی روبرو کرده و احساس دوگانه  بیم و امید نسبت به تحولات آموزش در سطح جهان بوجود آورده است. یکی از موقعیت های کنونی که آموزش در آن قرار گرفته، شیوع ویروس همه گیر کرونا در سطح جهان است.

در این وضعیت نهاد آموزش به منظور به انجام رساندن وظایف خطیر و پویایی و ارتقای خود، نیازمند الگو و ابزار مناسب برای ارزیابی و اطمینان کیفی از روند برنامه‌ها و فرایندهای مربوط و کارآیی و اثربخشی در شرایط موجود است. در وضعیت کرونا-ویروس نظام آموزش کشور باید با برنامه‌ریزی دقیق در امور آموزشی، پژوهشی و تربیت نیروی انسانی، برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود درکشور تلاش کرده و بیش از پیش نوید دهنده شکوفایی و اقتدار علمی و فرهنگی جامعه باشد. دانشگاه برای حفظ پویایی خود در ایام کرونا نیازمند برنامه ­ریزی های توسعه ای و راهبردی، بهبود فرایندها و روش ها و کنترل مستمر کیفیت است و انجام و تحقق هر یک از امور و فرایندهای مذکور همراه با برنامه‌ریزی دقیق، نیازمند اطلاعات واقعی، دقیق، مرتبط و روزآمد است. نهاد آموزشی نیز به منظور نقش آفرینی مثبت و معنادار خود در ایام کرونا و حتی پساکرونا نیازمند متناسب سازی خود بر اساس مؤلفه های ساختار و مدیریت، پاسخگویی محیطی و برنامه درسی است.

**مشکلات آموزش در شرایط بحران کرونا و آینده پساکرونایی**

جهان مدرن مبتنی بر اندیشه و جهان بینی علمی است. به همین سـبب نهـاد آموزش نقشـی کلیدی در ساخت جهان مدرن و سیاست های آن داشته است. البته این رابطه یک سویه نبـوده و تحولات اجتماعی نیز در تعیین خط سیر آموزش جدید نقش داشـته اسـت. حال شـیوع بحـران کرونا، از یک سو چالشی جدی برای کارآمدی نهاد آموزش در شـناخت ایـن ویـروس و مهـار آن از راه های مدیریتی بـه وجود آورده اسـت و از سـوی دیگـر اعتبـار آموزش و ارائه راهکارهای متناسب را نیز به چالش کشیده است. مسلما موج فزاینده تحلیـل شرایط فعلـی و سـخن گفـتن از آینـده پسـاکرونایی و همچنـین اشـاره بـه تغییرات آتی نظام ارزشـی و معرفتـی علـوم جدیـد ریشـه در بحران هـای پیشـین دارد و گویـای عطشی برای تحول در نظام آموزش است؛ عطشی که کرونـا ویروس بهانـه بیـان آن را فـراهم آورده است. بحران کرونا بواسطه تعلیق دانشگاه در معنای سنتی، چالشی جدی برای شـیوه های رایـج تولید علم، تـرویج آن و توزیـع محصـولات علمـی در جامعـه ایجـاد کـرده اسـت.

در نتیجه «آموزش و پرورش در تحولات پساکرونا با چالش‌هایی از جمله، ارزیابی اقدامات، و سیاست‌های گذر از بحران» روبرو شده است.

به همین دلیل شرایط کرونایی و موقعیت پساکرونایی مستلزم اتخاذ راه های جدید برای ایجـاد و توسعه روابط علمی، اجتماعات علمی و تولید و توزیع علم است.

**روش های نوین آموزشی در دوران کرونا**

**آموزش مجازی**

آموزش مجازی در شرایط بحرانی کنونی، پدیده‌ای به سرعت در حال رشد در سطح جهان است تا آنجا که نمود انقلاب آموزشی در عرصه آموزش و پرورش محسوب می‌شود و یک فرصت استثنایی را برای تحول در نظام آموزشی کشور فراهم کرده است. فناوری آموزش‌های مجازی با دارا بودن ویژه‌گی‌های منحصر به فردی هم‌چون انعطاف‌پذیری، غیرحضوری بودن، محصل محور بودن، یادگیری مستقل مبتنی بر استعداد و علاقه توجه بسیاری از افراد و گروه‌های اجتماعی را در دنیا به خود جلب نموده است مهم‌ترین فرصت‌های آموزش‌های آنلاین در تربیت منش محصلان شامل توسعه‌ی آموزش‌های چند فرهنگی، آزادی آکادمیک، منش علمی، گسترش پوشش تحصیلی، ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی و پرورش تفکر انتقادی است.

در شرایط فعلی که شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های اجتماعی عادی را محدود کرده است، اگر به صورت فعال در خصوص راه‌اندازی و استفاده بهینه از آموزش‌های الکترونیک در ارایه دروس دانشگاهی استفاده کنیم، این شرایط تهدید می‌تواند به یک فرصت استثنایی برای تحول در آموزش کشور و تقویت زیرساخت‌ها برای ارایه آموزش‌های متنوع غیر حضوری و بالا بردن سطح تاب‌آوری نظام تحصیلی کشور در مواجهه با شرایط مشابه احتمالی در آینده شود.

توسعه شیوه‌های آموزشی جایگزین از جمله آموزش از راه دور به صورت آموزش مجازی از طریق اینترنت، می‌تواند تا حدودی برخی امکانات تحصیلی را برای ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموزان فراهم کند. با این حال هم‌چنان می‌توان به توسعه آموزش از راه دور به عنوان یک فرصت و یک امکان برای تکمیل برنامه‌های آموزشی رسمی کشور نگریست و توسعه آن را به عنوان شاخصی از توسعه کلی آموزش در کشور به شمار آورد که خصوصا در موقعیت‌های بحرانی نظیر آنچه پس از بحران همه‌گیری کرونا در کشور رخ داد و یا هر شرایط اضطراری حاصل از حوادث طبیعی و غیرطبیعی که امکانات تحصیلی و نهادهای آموزشی کشور را با مشکل مواجه می‌کند به عنوان جایگزین مورد استفاده قرار داد.

البته ایـن جایگزین کـه شـدت و ضـعف آن در کشـورهای متعـدد متفاوت اسـت، در کنـار فرصت های نیکویی که فراهم آورده است، خود از جهاتی عامـل بی عـدالتی آموزشـی و بسـط شکاف دیجیتال آکادمیک نیز شده است. زیرا بسیاری از دانشگاه های جهان و از جمله ایران، زیرساخت فنـی، تجهیزاتی،آموزشـی و فرهنگـی مناسـب بـرای بکـارگیری آمـوزش و پـژوهش مجازی را نداشته اند، و از سوی دیگر ارتباط دانشـگاه و جامعـه نیـز در الگـو ی جدیـد فعالیـت دانشگاه ها به شیوه نوین طراحی نشده و لذا هم کنشگران درون و بیرون دانشگاهی و هم حـوزه صنعت و خدمات از این عرصه غفلتی بزرگ دارند؛ غفلتی که در کشـوری چون ایـران بسـیار نمایان است. در کنار این مسائل، همانگونه که پیش از این هم گفته شد، استفاده از ایـن فضـا علاوه بر مهارت های فنی امر، مقتضی رواج زمینه های فرهنگی و اجتماعی متعددی اسـت کـه در کلیت برسازنده فضایی از تعاملات و کنش های ویژه هستند.

**فرصت های طلایی پساکرونا**

فرصت طلایی برای آموزش و پرورش در جهت تحقق سیاست ها و چرخش های تحول آفرین که در شرایط عادی امکان بروز و ظهورش نبوده، در دوران کرونا و پساکرونا فراهم شده است. همه جا کانون یادگیری شده و کانون های یادگیری از مدرسه به خانواده و به سایر مکان های فرهنگی و تربیتی گسترش یافته و نظام پژوهش محور در فرآیند یادگیری محقق گردد. دانش آموز به عنوان کنشگر اصلی و پژوهشگر بعنوان دانش آموز پژوهنده ایفای نقش می کنند.

**چالش ها و فاجعه های فراگیر و جایگاه و نقش آموزش عالی**

وظیفه نهاد آموزش عالی به منزلۀ نمایندۀ برجستۀ نهاد علم در جامعه، در مواجهه بـا چالش هـای سیاره صرفاً به مواردی محدود نمی شود که چالش عمـلاً جامعه را مورد تهدید قرار داده است. درو اقع، وظیفۀ اصلی نهاد آموزش عالی در مقابله با چالش های فراگیـر آن اسـت کـه در مقام دیده بان، ظهور خطر را پیش از آنکه دامنه اش به جامعـه برسـد رصـد کنـد و آموزش هـای امر در خصوص مواجهه با آن را به عامه و نیز تصمیم گیران و مسئولان ارائه دهد.

هدف این آموزش ها تربیت شهروندان برای افزایش مقاومت شـان- اعـم از افـراد و گروه هـا - برای مقابله با عوارض مختلف ناشی از هر نوع چالش سیاره ای است؛ به عنوان مثال، در جریـان بحران اخیر کرونا، این نکته آشکار شد که هیچ یک از کشورهای دنیا و نیز نهاد آموزش عـالی، آنانی که باید برای مواجهه با این چالش آمادگی قبلی داشته باشند، آمادگی نداشته اند. یکی از تبعات این امـر آن بـود که شهروندان و نیز مسئولان از آموزش های امر برای مقابلۀ مـؤثر بـا چالش ناشـی از بیمـاری همه گیر حاصل از ویروس کووید-۱۹ برخوردار نبودنـد؛ ازایـن رو، هنگامی کـه روشـن شـد در غیاب هر نوع واکسن مؤثر جهـت دفـع شـر ویـروس، تنهـا شـیوۀ موجـود در مقیـاس گسـترده، استفاده از قرنطینه و فاصله گذاری اجتماعی است، هم عامه و هم مسئولان در ایـران و بسـیاری دیگر از کشورهای دنیا نتوانستند آنطور که باید به الزامات این دستورالعمل حیاتی پایبنـد بماننـد. مردم عادی در غیاب امکانات حداقلی برای گذراندن ایام قرنطینه، بی توجه بـه عـوارض بسـیار خطرناک عدم رعایت دستورالعمل ها، مقررات را زیر پا گذاشتند و مسـئولان نیـز بـا توصـیه های متناقر بر سردرگمی مخاطبان افزودند.

در مرحلۀ پیش آگاهی نسبت به تبعات چالش های فراگیر و پیشگیری از عوارض نـامطلوب آنها، ازجمله وظایف اصلی نهاد آموزش عالی ازیک سو کمـک بـه ایجـاد جامعـه ای مقـاوم در برابر آسیب های اجتناب ناپذیر و ازسوی دیگر ارائۀ طرح ها و سیاست های عملی بـرای کاسـتن از عوارض نامطلوب است. این دو جنبه با یکدیگر مرتبت انـد و دسـت اندرکاران در نهـاد آمـوزش عالی می باید همت خود را مصروف آن دارند که با ارائۀ برنامه ها و سازوکارهای مناسب، چنـان در جامعه- که اعضایش در زمرۀ ذینفعـان مجموعـه ای هسـتند کـه در آن عضـویت دارنـد- ظرفیت های موردنظر را ایجاد کنند که بتوانـد در مواجهـه بـا چالش بـا کمتـرین میـزان فعالیتهای سازندۀ خود را به گونه ای پایدار ادامه دهد. یکی از مهمترین وجوه ایـن برنامـه ها، توجه به امر اساسی بازسازی آسیب ها (اعم از آسیب های انسانی، اجتماعی، اقتصـادی، مـادی، فرهنگی و...) است. این بازسازی ها می باید با بازده و با حداقل خسارت همراه باشند.

**چالش ها، اثرات و نتایج و عوارض**

چالش های سیاره ای و جهانی، از انحای مختلف آن همواره امکان وقوع دارنـد. ایـن چالش هـا خواه در هیئت بیماری های واگیردار (حوادثی که در سطح یک منطقه و کشور شـیوع می یابنـد و گاهی نیز همانند بیماری ناشی از کووید-۱۹ در سطح جهانی ظاهر می شوند) ، خواه در شـکل حوادث طبیعی نظیر زلزله، آتشفشان، سونامی، سیل، و خواه در صورت فاجعه هایی بشرسـاخته که در آن احیاناً عوامل طبیعی نیز نقش آفرینی می کنند هماننـد قحطـی (کـه مـدیریت سـوء در نگاهداری و بهره برداری مناسـب از آب و خـاک همـراه بـا عوامـل بیعـی ماننـد خشکسـالی مسـبب آن می شـوند) و یـا جنـگ (کـه علـل و عوامـل انسـانی در مـواردی از عـواملی نظیـر خشکسالی و بیماری که مهاجرت فراگیر را الزام می کند نیز تأثیر می پذیرد) ، یا گرمایش زمین (که هم محصور تولید گازهای سمی ناشی از تحولات صنعتی لجام گسیخته است و هم احیانـاً تا اندازه ای ناشی از تغییرات ادواری در نحوۀ عمل خورشید هراز چندگاه، یا بحران هـای کـاملاً بشرساخته ازجمله بحران های مالی نظیر آنچه در سال ۲۰۰۸ و در جریان فروپاشی نظـام بـانکی سرمایه داری در بسیاری از کشورها به وقـوع پیوسـت و امثالهم، در مـواردی علـیرغم بهتـرین پایش ها و رصدها، می توانند ظهور کنند و تأثیرات مخرب خود را بر جـای بگذارنـد؛ ازایـن رو، بخشی از وظیفه و مسـئولیتی کـه بـر دوش نهـاد علـم (و آمـوزش ) دراین زمینـه قـرار دارد عبارت است از نقش آفرینی در مقابله با تبعات و عوارض نامطلوب ناشی از چالش ها و کوشش در مسیر کاستن از آلام و مصائب انسانی و زیست محیطی آنها.

اثراتی که به دنبال وقوع رویدادهای مصـیبت بار ظـاهر می شـوند می تواننـد اشـکال بسیار متنوعی در سطح فردی، خانوادگی، گروهی، ملـی و جهـانی پیـدا کننـد. ایـن اثرات و عوارض همچنین می توانند جنبه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگـی و روانـی بـه خـود بگیرند. به این اعتبار به نظر می رسـد یـک رویکـرد مناسـب بـرای سـامان دادن بـه فعالیت هـای ضـروری جهـت مقابلـه بـا ایـن اثرات آن اسـت کـه بـه فاجعـه یـا بحـران در ارتبـاط بـا وجـه اجتماعی اش (در معنای همۀ جنبه های بحران کـه بـه سـپهر «وضـع و حال و شرایط انسـانی« ارتباط پیدا می کند به منزلۀ یک زیست بوم یـا زیسـت-سـپهر نظـر شـود؛ زیسـت بوم اجتمـاعی بحران .

رسالت نهاد آموزش در ارتباط با این زیست بوم و در راسـتای مواجهۀ مـؤثر بـا تبعـات نامطلوب ناشی از بحران ها و فجایع و چالش های سیاره ای، ارائۀ راه حل هـای مناسـب در همۀ عرصه هایی است که بحران یا چالش بر زیست بوم اجتماعی بحران تأثیر سوء می گذارد. هـدف همۀ این راه حل ها می باید کاستن از آلام و به حداقل رساندن عوارض منفی چالش باشـد. توجـه به این نکته حائز اهمیت است که نهاد آموزش در مقام مولـد اندیشـه، لزومـاً خود متولی اجرای راه ها و پیشنهادها و سیاست هایی که فراهم می آورد نیست و نمی تواند باشـد. بـه ایـن اعتبار همۀ راه ها و پیشنهادهایی که از جانب این نهاد آماده می شود می باید به گونه ای طراحی شده باشد کـه کنشـگران در دیگـر نهادهـا بتواننـد بـا سـهولت و بی نیـاز از مراجعۀ مسـتمر بـه تهیه کنندگان راه ها، به اجرای آنها اقدام کنند.

**تهدیدهای پساکرونا**

ضرورت وجود ابزار الکترونیکی شخصی در فرآیند تعلیم و تربیت پساکرونا، لزوم توجه به سواد رسانه‌ای به مثابۀ یکی از شایستگی‌های معلم، هویت‌زدایی از مفهوم سنتی مدرسه و تغییر پارادایم یاددهی یادگیری، تقویت بنیان‌های نظری مدرسۀ مجازی و لزوم بازتعریف عناصر برنامۀ درسی در دوران پساکرونا از مهم‌ترین تحولاتی است که به نظر می‌رسد آموزش‌وپرورش پساکرونایی با آن مواجه خواهد شد.

وقفه در اجرای برنامه‌های درسی حضوری، قرابت زمانی شیوع ویروس با برگزاری آزمون سراسری و اهتمام مدارس به اتمام سرفصل‌های درسی، به‌حاشیه‌رفتن امور تربیتی و پرورشی، حضور تمام‌وقت دانش‌آموزان و دانشجویان در خانه و عدم ارتباط با محیط مدرسه و دانشگاه، تعریف نشدن سازوکارهای همکاری مستمر و نقش پذیری ها در یک پلتفرم یکپارچه از ضعف ها، عدم دسترسی مناسب به زیر ساخت های پویا و محدویت های دسترسی در مناطق مختلف، نبود پهنای باند پاسخگو برای استفاده آموزشی و یا هزینه های مرتب آن برای خانواده، نبود محتواهای فراگیر متناسب با برنامه درسی برای دوره ها و پایه مختلف تحصیلی، محدودیت منابع و خدمات محتوایی با توجه به توانمندی های دانش آموزان و دانشجویان، فراهم نبودن ارائه محیط های یادگیری شخصی متناسب با توانمندی ها و ظرفیت دانش آموزان و دانشجویان, عدم بهره مندی بخش قابل توجهی از دانش آموزان و دانشجویان به تجهیزات سخت افزاری، سطح پایین سواد رسانه‌ای، فقدان زیرساخت‌های مناسب الکترونیکی، ضعف مهارتی خانواده‌ها در پیشبرد برنامه‌های درسی رسمی نیز از مسائل اساسی است که در زمرۀ چالش‌ها و موانع نظام آموزش و پرورش در مواجهه با تبعات شیوع ویروس کرونا قرار می‌گیرد.

**تهدیدهای فضای مجازی به آموزش و پرورش**

 خطراتی که ممکن است ورود رایانه به تعلیم و تربیت داشته باشد، عبارتند از: منزوی شدن دانش آموزان و دانشجویان از جامعه، خدشه­دار شدن رابطه معلم و دانش آموز، استاد و دانشجو در معرض خطر قرار گرفتن آموزش ارزش­های انسانی و بیش از حد قالبی شدن تعلیم و تربیت و عوامل دیگر که شامل:

**اینترنت**

امروزه آسان­ترین کار برای دانش­آموزان و دانشجویانی که با اینترنت سرو کار دارند، کاربرد نابه­جای آن است. آنها  از موضوع مورد تحقیق خود واژه‌هایی را انتخاب و با استفاده از موتورهای جست­وجوگر مطالب را پیدا، و با قرار دادن  مطالب از منابع مختلف کنار هم، چیزی به­عنوان تحقیق ارائه می‌دهند.  امروزه، دانش آموزان و دانشجویان با استفاده از اینترنت تحقیقات خود را انجام می‌دهند. شبکه اینترنت، تحقیق را بسیار ساده­تر از آنچه که هست، نشان می‌دهد. چون نتایج بی­شماری را ارائه می­کند و نیز منابع فراوان، تصاویر و خلاصه مطالب را به سهولت و سرعت بر روی صفحه نمایشگر پدیدار می­کند. البته روش مجازی باآنکه دارای فایده هایی چون استفاده از روش های نوین آموزشی درزمان بحران است اما استفاده و اینترنت در سنین پایین آسیب هایی از جمله: عدم کنترل و نظارت، وابستگی به اینترنت،تنبلی چشم را برای آنها به همراه دارد.

**تک فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ­های بومی**

ورود شبکه های مجازی، هویت اجتماعی جوامع امروزی را دچار تغییر و تحولات عمده کرده است. جهان مجازی با خصیصه هایی مانند بی مکانی. فرازمانی، تکثر داشتن، قابل دسترسی بودن هم زمان وغیره از جهان واقعی به طور نسبی جدا می شود. ظهور فناوری های نوین ارتباطی دگرگونی های بنیادینی را در تعاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. امروزه حتی اعضای خانواده ها و همسایگان نیز به ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند. این امر تشخیص اصالت ها را روز به روز دشوارتر ساخته است. کشاکش فرهنگی، ارزش ها و رفتارها درخانواده ها را نیز دچار دگرگونی کرده و بسیاری از رفتارهای ثابت و دیرین خانوادگی کمرنگ شده و رفتارهای دیگری بر جای آن نشسته است.

نبود مراتب قدرت در فضای مجازی باعث می شود فردیت افراد در جمع حل نشود. در جهان واقعی قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تاثیر عواملی چون جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و... محدود بوده است. اما در جهان مجازی مرزهای محدود کننده از میان برداشته می شود و شخص در مقیاس جهانی با گزینه های فراوانی برای انتخاب روبروست. لذا بر همین اساس در میان اقوام سنتی و مذهبی شاهد تاثیرات قابل ملاحظه ای در ایجاد انعطاف پذیری و شکستن مرزهای محدود کننده اعتقادی و فرهنگی هستیم. در نتیجه تحولات فرهنگی با پدیده ای به نام رفتارهای نوپدید اجتماعی رو به رو می شویم که در باز تولید جامعه پذیری افراد نقش به سزایی دارد. اجتماعی شدن و فردی شدن دو روی سکه تجدد و دوره مدرن هستند. یعنی دوره مدرن دارای یک دوگانگی در ساختار اجتماعی است که از یک طرف به اجتماعی شدن افراد منجر می شود و از طرف دیگر فردی شدن را تقویت می کند .حاصل پویایی فرهنگ و تحول آن، تغییر پوسته ذهنیت اجتماعی است که طی آن ارزشهای فرهنگی به صورت لایه های تفکیک پذیر در پی یکدیگر قرار می گیرند. ارزشهای منسوخ نیز در بعضی شرایط احیا می شوند و رفتارهای اجتماعی را با ایدئولوژی جدید تحت تاثیر قرار می دهند. گرچه فضای مجازی می تواند به مرور زمان موجب تغییراتی در ارزش های جامعه و ایجاد رفتارهای نوپدید شود و در نتیجه هویت افراد را تحت تاثیر قرار دهد، حضور در فضای مجازی به عنوان فضایی متکثر، پذیرش تفاوت ها، انطباق با تفاوت ها و نسبی گرایی را تسهیل و تقویت می کند و مقاومت آنها را در برابر دیگری و جهان وی کاهش می دهد. بنابراین فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی باید فرصتی برای تعدیل خاص گرایی های فرهنگی و اجتماعی، گذار از محلی گرایی و تقویت عام گرایی در نظر گرفته شود. البته باید توجه کرد که تاثیرات و تغییرات مذکور، باتوجه به میزان مصرف، نوع مصرف، ساختاری های ذهنی و عینی موجود درجهان واقعی و عوامل متعدد دیگر به لحاظ کمیت و کیفیت بسیار متفاوت است. شناخت فضای مجازی و کارکردهای آن در جامعه، مستلزم آشنایی با مجموعه ای از مفاهیم اولیه و واژگان کلیدی مرتبط با شبکه های مجازی و درک چگونگی تاثیرگذاری آن بر جامعه است. اما برای برون رفت از مشکلات فضای مجازی بر فرهنگ می بایست دست اندرکاران فرهنگی در این زمینه به مکانیسم های هویت سازی نهادهای اجتماعی توجه بیشتری داشته باشند و آموزش های لازم را جهت درون سازی و انتقال صحیح آثار و تمدن کشور از جمله میراث فرهنگی، تاریخی، اجتماعی به افراد جامعه به خصوص نسل جوان بپردازند. همچنین باید به منظور پیوستگی در جامعه برخی از تمایلات تبعیض آمیز را از میان برداشت تا پایه های هویت و وحدت ملی را تقویت کند.

**کاهش ارزش افراد باتجربه**

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش نهادن به صاحبان تجربه در آموزش و سعی بر استفاده از تجربه آنان جهت افزایش دانش خود می باشد . این در حالی است که تحولات رخ داده در عرصه فناوری و روش‌های نوین آموزشی، به شدت این اصل را دستخوش تحول ساخته است. امروزه یک جوان با استفاده از امکانات آموزشی و ارتباطی، به حجم بالایی از اطلاعات و دانش دست می‌یابد و استفاده از علم افراد با تجربه را فراموش می کند. زیرا جوان امروزی که تجربه نسل قبل را ندیده، احساس می‌کند به توانمندی‌ها و دانش‌هایی دست یافته که به­مراتب بیشتر از دانسته‌های نسل پیشین است. پس باید توجه داشت که نسل جدیدی از دانش‌آموزان در راه هستند که تصور و تلقی متفاوتی از تجربیات گذشته دارند .

**سواد رسانه ای**

در ایران به رغم دارا بودن شرایط خاص درونی و بیرونی تاكنون اقدام موثری در این راه صورت نگرفته است. بنابراین مسوولان چه در كشورهای پیشرفته و چه در كشورهای كمتر توسعه یافته راه كارهایی را در نظر بگیرند تا از طریق آن آموزش مهارت های بهره گیری از سواد رسانه ای به عنوان جزیی از زندگی هر شخصی محسوب شود. بنابراین با استفاده از رسانه های دیجیتال كه بدون مرز بودن ارتباطات، با هزینه كم و دسترسی آسان به حجم وسیعی از اطلاعات از ویژگی های اصلی این رسانه ها به شمار می رود می توان تنوع و حجم بالایی از محتوای پیام ها را با سرعت بیشتری دریافت نمود. بهره گیری از دانش رسانه های دیجتیال وسیله ای برای گسترش درك و تفكر افراد جامعه از ماهیت قدرت در جامعه و نحوه استفاده آن در رسانه های اجتماعی است . در این میان اساتید دانشگاه ها و پژوهشگران و محققان باید درك خود را از مفهوم تفكر نقادانه بالا ببرند تا بتوانند از دانش رسانه های دیجیتال در تكنیك كلاس های آموزشی استفاده نمایند. بهره گیری از چارچوب سواد رسانه ای ضروی بوده و به عبارت دیگر تفكر محض كافی نیست و باید اندیشیدن و تفكر با معیارهای استاندارد فكری منطبق شود تا موجب پیشرفت شخص شود. بدیهی است كه جهت گیری مردمی و ملی گفتمان سواد رسانه ای و نیز مفهوم علمی و كاربردی ضروری است. در این میان آموزش های صحیح در دانشگاه ها و موسسات علمی در جهت فهم واقعی سواد رسانه ای و همچنین حمایت از طرح ها و پژوهش های مرتبط با موضوع های سواد رسانه ای و اطلاعاتی گام موثری در ارتقای این مهم به شمار می رود.

بنابراین وارد كردن نظام سواد رسانه ای در نظام آموزش رسمی كشور و انجام تحقیقات و مطالعات تطبیقی به منظور الگوی مطلوب، ارزشیابی منسجم و نظارت مستمر بر عملكرد فعالان سواد رسانه ای، بستر مناسب برای تولید انبوه محصولات فرهنگی دیجیتال متناسب با ارزش های نظام، حمایت از توسعه كمی و كیفی رسانه های دیجیتال، حمایت از تمام تولیدكنندگان محتوای دیجیتال از مهم ترین اقدامات لازم در جهت ارتقای رسانه های دیجیتال و اثربخشی سواد رسانه ای كشور به شمار می رود.

**آموزش‌های ناهمسان**

پدیده جهانی شدن از بحث برانگیزترین مسایل روز جهان به شمار می رود. پدیده‌ای که در تصمیم گیری ها و فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها نقش تعیین کننده ای داشته و مرزهای جغرافیایی را به حداقل ممکن کاهش می دهد، منافع مردم و کشورها را بیش از پیش به هم تنیده کرده و علاوه بر کالا وخدمات، افکار و دانش بشری را نیز آسانتر و بی حد و مرزتر از گذشته مبادله می کند. چالش های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم را می توان ناشی از دیدگاه های نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست. این دیدگاه ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندی های آن اضافه و موضوعات گوناگونی را مطرح می سازند. در جوامع امروز آموزش بی تردید نقش اصلی را در توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، و فرهنگی ایفا می کند و عیار توسعه در هر کشوری را با میزان سرمایه گذاری برای کودکان و نوجوانان آن کشور می سنجند. زیرا سرمایه اصلی کشور، همانا نیروی انسانی با فرهنگ و کار آمد از طریق آموزش تامین می گردد . امروز وظیفه آموزش و پرورش دیگر تنها انتقال میراث فرهنگی گذشته به نسل حاضر نیست . زیرا اگر چه این هدف اهمیتی در خور توجه دارد، اما مهمتر از آن هدف آموزش و پرورش بایستی آماده کردن جوان برای زندگی در جامعه ای باشد که در انتظار اوست و چند و چون آن جامعه بایستی به دست و اندیشه او تعیین گردد . مطالعه فضای فکری حاکم بر آموزش و پرورش فعلی ایران باید بر ما آشکار کند آیا آموزش و پرورش کنونی قادر به انجام این مهم یعنی پرورش مدام جوان در جهت از قوه به فعل در آوردن توانائیهای آنها هست یا نه .

**زبان**

توسعه و پیشرفت چشمگیر در زمینه فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در فضای مجازی در سال های اخیر تاثیرات شگرفی بر ابعاد مختلف زندگی انسان ها گذاشته است که با ایجاد دگرگونی در مفاهیم زمان و مکان  و با تغییر در اشکال نوین ارتباطی و با ایجاد مراجع جدید هویت موجب پیدایش ذهنیت های ناپایدار و هویت های جدید از طریق به کارگیری زبان های نوینی در فضای مجازی شده است.

در تمام این تحولات فناورانه و زبانی، با تغییر در نحوه شکل گیری و ابراز هویت های فردی و اجتماعی  جدید نیز روبرو شده ایم. زیرا از طریق این تحولات زبانی است که موجودیت و هویت افراد ساخته می شود و این همه آن چیزی است که نشان می دهد" ما چه کسانی هستیم و چه کسانی نیستیم و چه کسانی می خواهیم باشیم یا نباشیم.."

زبان ابزار خلق کردن و حفظ ارتباطات بین فردی، تعلقات گروهی، طبقه اجتماعی و هویت فردی است و در عصر حاضر که عصر جهانی شدن نام گرفته است، شکل گیری هویت ها و روابط اجتماعی در چارچوب محتوای گفتمانی و فرهنگی خاصی اتفاق می افتد که در ورای مرزها و محدودیت ها و به صورت سیال در حال ایجاد شدن است.

در این زمینه می توان ادعا کرد که به خاطر همین پدیده جهانی سازی و قدرت وسایل ارتباط جمعی، همگون سازی فرهنگی در حال وقوع است و دیگر ملیت گرایی به عنوان تنها ابزار در برابر تهدید های هویتی به کار نمی رود. در این حالت زبان که ابزار مستقیم ابراز فرهنگ هاست، تنها سنگر مقاومت فرهنگی و دفاع از مبانی هویتی هر فرد و هر کشور محسوب می شود که این به دلیل ماهیت دنیای پست مدرن است که در آن هویت های چندگانه ، پویا و حتی گاهی متضاد می شوند. در چنین دنیایی هویت افراد بیشتر به انتخاب های آنان در موقعیت ها و زمان های مختلف بستگی دارد تا به درک دائمی و تغییر ناپذیر آنها از ماهیت خودشان.

در این میان زبان شاخص مهم تری از طبقه اجتماعی، جنسیت و نژاد در تعیین هویت شده که به وسیله همین وسایل ارتباط جمعی و فناورانه و در یک کلام رسانه ها در سطح جامعه رواج پیدا می کنند. به این ترتیب که  متون رسانه ای با نحوه بازنمایی خود از الگوهای تبادلی افراد می توانند باعث ایجاد ارزش ها، معناها و یا سبک های زندگی خاصی و یا بر عکس حذف و به حاشیه راندن الگو یا ارزش یا سبک تفکر و زندگی دیگری شوند که زمینه ساز شکل گیری هویت هاست.

هال(۱۹۹۷)[[1]](#footnote-1)  یکی از چهره های شاخص مطالعات فرهنگی در این زمیته معتقد است که بازنمایی یک عمل برساختی است که میتوان آن را از خلال نگاه به "زبان" به مثابه رسانه محوری که در چرخه فرهنگ و اجتماع شکل می گیرد، و معانی به وسیله آن تولید و بازتولید و گفتمان سازی می شوند، بررسی کرد.

بر طبق نظریات  گفتمان سازی لاکلا و موف(۱۹۸۵)[[2]](#footnote-2) چگونگی تبدیل شدن یک گفتمان به تسلط فرهنگی یا هژمونی فرهنگی از طریق تبدیل آن گفتمان به تصور اجتماعی باید صورت گیرد که برای این منظور از دو ابزار برجسته سازی و حاشیه رانی اقدام به اسطوره سازی در پدیده مورد نظر می شود.

امروزه، کسب مهارت­های مربوط به یک یا چند زبان خارجی به­وسیله شهروندان کشورهای مختلف، پیش­شرط لازم برای مشارکت همه‌­جانبه در جامعه بین المللی و استفاده از فرصت­های آن است. این ضرورت در حدی است که برای مثال، در اروپا توصیه می‌شود که حداقل دو زبان خارجی مربوط به سایر کشورهای اروپایی به­وسیله نسل جوان این قاره فرا گرفته شود تا امکان تفاهم و ارتباط بیشتری بین مردم این کشورها ایجاد گردد. حتی پارلمان اروپا، سال 2001 را به­عنوان **«**سال اروپایی زبان­ها**»** اعلام می‌کند و هدف از این کار این است که آگاهی مردم را نسبت به تنوع فرهنگی و زبانی و غنای این منطقه بالا ببرد و یادگیری زبان دیگر ملت­ها را به­عنوان کلید توسعه روابط فردی و شغلی با دیگران توصیه کند.

یادگیری زبان خارجی همچنین به­منظور استفاده از میراث­های فرهنگی سایر کشورهاست و همان­طور که قبلاً گفته شد، یادگیری زبان­های لاتین، یونانی و عربی در دوره‌های مختلف تاریخی به­دلیل محور بودن این کشورها از ابعاد مختلف بوده است. امروزه با توجه به توسعه صنعت و تجارت و نیز با جهانی شدن اقتصاد و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و از همه مهمتر، با توسعه علم و دانش در کشورهای «شمال» و لزوم همگامی با جهان از این نظر، ضرورت یادگیری زبان­های خارجی بیش از پیش توجیه‌پذیر شده است. به استناد آمار، امروز حدود یک میلیارد نفر از زبان انگلیسی به­عنوان زبان رسمی و یا زبان دوم خود استفاده می‌کنند. شاید مهم‌ترین دلیل این توجه به زبان انگلیسی، استفاده گسترده از آن در شبکه‌های بین المللی مانند «اینترنت» است. از نظر تعداد صفحات وب، انگلیسی‌ها با 89% بر بقیه زبان‌ها برتری دارند و نیز 58% کاربران اینترنت، انگلیسی زبانند. بدون تردید، گستردگی زبان انگلیسی در سراسر جهان و تبدیل آن به یک زبان مسلط نیز خطرات خود را در پی دارد و سلطه فرهنگی انگلیسی­زبانان بر سایر کشورهای جهان را موجب می‌شود. از این­رو، توصیه شده است که آموزش زبان خارجی به یک زبان خاص محدود نشود و در واقع، چند زبانی، تنها راه‌حلی است که می‌تواند جلوی این سلطه را بگیرد. لذا، آموزش زبان­های خارجی در کشور باید زبان فرانسوی، آلمانی و سایر زبان‌های مورد نیاز را نیز شامل شود.

پدیده جهانی شدن از طریق فضای مجازی بر آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار شده و یکی از ابعاد آن، مسئله جابه­جایی استاد، دانشجو و دانش در سراسر جهان است. از این­رو، فارغ‌‌التحصیلان مدارس و دانشگاه­ها تنها در بازار کار روبه­رو نیستند و در صورت دستیابی به تخصص مورد نیاز و قابل رقابت در فضای بین المللی مجازی می‌توانند در هرجا که مایل باشند به آموزش بپردازند. بدون شک، دانستن زبان خارجی و تسلط بر آن یکی از پیش‌شرط‌های تحصیل و اشتغال توسط فضای مجازی در جهان است و آموزش و پرورش باید این مسؤولیت را بپذیرد که آموزش زبان خارجی را به عنوان یک ابزار ارتقای علمی و نیز وسیله اشتغال و تحصیل شهروندان کشور در نظر گرفته و با رعایت کیفیت این آموزش و اعتلای آن در سطح استانداردهای منطقه‌ای و جهانی، شرایط را برای حضور نیروهای کیفی و برتر جامعه فراهم سازد. از اینرو، تصادفی نیست که تدریس زبان خارجی با افزایش نیاز کشورها به ارتباط جهانی فزونی یافته و تدریس آن به سراسر دوره راهنمایی و دوره متوسطه (و در بسیاری از کشورها به ابتدایی) تسریع یافته است بدون شک، توجه به زبان خارجی و آموزش آن تنها به تعمیم فراگیری زبان به سراسر تحصیلات قبل از دانشگاه محدود نشده و توجه به جنبه‌های مختلف یادگیری زبان از نوشتن، خواندن و مهارت در ترجمه تا توانایی کلامی در برقراری ارتباط با کشورهای دیگر در نوسان بوده است.

**نتيجه گيری**

بدون داشتن یک برنامه استراتژیک و راهبردي مشخص، هدف و جهتي اثربخش نخواهیم داشت و ممكن است بدون هیچ علامت و نشانه مشخصي از رشد، در وضع موجود بمانیم. به قول قافلر «اگر در زندگي براي خود یک برنامه و استراتژي نداشته باشیم بخشي از برنامه و استراتژي دیگران خواهیم شد». بنابراین، اگر در شرایط پرهزینه و سخت بحران هاي مختلف اجتماعي و فرهنگي، مدل و چهارچوبي درست و علمي براي مدیریت و حكمراني در سطح جامعه نداشته باشیم بخشي از بحران گردیده و قادر نخواهیم بود راه حل را بدرستي تجزیه وتحلیل نموده و با تشخیص و پیش بیني دقیق، راهبرد و راهكار درست تجویز كرده و به اهداف سازمان و جامعه نایل آییم. آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت در شرایط كرونا و پساكرونا، از این منظر و قاعده مستثني نبوده و چنانچه نتواند براساس یک مدل استراتژیک و آینده نگارانه، برنامه هاي خود را تدوین نموده و راهبردها و راهكارها و برنامه هاي عمل مناسب ارائه نماید؛ موفق نخواهد شد دوران سخت را مدیریت كرده و از آن گذر كند. اگرچه این بحران و این چالش بزرگ كرونایي، یک چالش و یک دشواري و تنگناي جهاني است، لكن لازم است در قلمرو جغرافیایي زادبوم خویش با نگاهي ملي، منطقه اي و جهاني و با تكیه بر یک مدل راهبردي، به گونه اي برنامه ریزي كنیم تا بتوانیم ضمن عبور از گردنه و پیک بحران، آینده نگاري موفقي را رقم زده و به یادگار بگذاریم.

**منابع**

افتخاری،اصغر. 1383.مجموعه مقالات جهانی شدن: بحرانهای فراگیر نظام آموزشی – تربیتی در عصر جهانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیات،محمد مراد.1383.مجموعه مقالات جهانی شدن: جهانی شدن و ضرورت تعامل و گفتگوی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تافلر،الوین و هایدی. ۱۳۷۵.به سوی تمدن جدید، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ.

تافلر،آلوین.۱۳۷۷. جابه جایی در قدرت، شهین دخت خوارامری، چاپ هفتم، تهران، نشر سیمرغ،.

خلخالي،علي .(۱۳۹۹).مدیریت پاسخگو. رشد مدیریت مدرسه.۳، ۱۴-۲۰.

رابرتسون، رونالد.۱۳۸۰. جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث.

رابرتسون، یان.۱۳۷۲.درآمدی بر جامعه، حسین بهروان، نشر آستان قدس رضوی.

رؤوف، علی.۱۳۷۹. جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، وزارت آموزش و پرورش، دانشکده تعلیم و تربیت.

سرکارآنی، محمدرضا.۱۳۸۲.اصلاحات آموزشی و مدرن سازی (با تأکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن)،  انتشارات روزنگار،  چاپ اول،  تهران.

سیّد نورانی، سیّد محمدرضا.۱۳۷۹.«جهانی‌شدن،‌ کشورهای در حال توسعه و ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش 156 و 155، مرداد و شهریور.

سینک، راجاروی.۱۳۷۶.آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، 1991، ترجمه بهرام محسن پور، تک نگاشت شماره 9، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

طاهري،محسن .(۱۳۹۹).سوج تجزیه و تحلیل داده ها،مدل تحلیل صعودي گارتنر .تهران، انتشارات: ویرایش.

فرد آر. دیوید(۱۹۹۵).مدیریت استراتژیک.ترجمه پارساییان ،انتشارات دفتر پژوهش هاي فرهنگي .

کومسا، ا..۱۳۷۸.«جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، ش 148 و 147، آذر و دی.

کینگ، الکساندر و اشنایدر، برتراند.۱۳۷۴.نخستین انقلاب جهانی، باشگاه رم، 1990، ترجمه شهیندخت خوارامری، انتشارات احیاء.

گارت،جی. مارتا.۱۳۷۶.مطالعاتی برای قرن بیست و یکم، 1991، ترجمه غلامحسین نفیسی، تک نگاشت شماره 9، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

گاستون میالاره، ژان و یال.۱۳۷۱.تاریخ جهانی آموزش و پرورش، جلد اول، ترجمه محمد رضا شجاع رضوی، آستان قدس، معاونت فرهنگی.

ملایی نژاد، اعظم.۱۳۸۲.انتظار جامعه فردا هوشمندی چندگانه است، ماهنامه آموزشی رشد تکنولوژی آموزشی، شماره 155.

مهرعلیزاده، یدالله.۱۳۸۳.جهانی سازی و نظامهای آموزشی با تأکید بر کشور ایران، انتشارات رسش، امرستان.

نورانی خجسته، مهدی.۱۳۷۹.برندگان و بازندگان، پیام یونسکو، شماره 359.

نویدي ،احد(۱۳۹۹) .همت گفتار در دوره خاص ،صداي معلم

گزارش بازبینی شدة سازمان ملل متحد درباره پیش‌بینی جمعیت جهان، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ترجمه علی اصغر مهاجرانی، ش 160 و 159. ۱۳۵۹.

یونسکو: 1368 تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، پاریس، 1984، ترجمه دکتر محمد علی امیری، دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها، وزارت آموزش و پرورش.

یونسکو: 1377 اعلامیه کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه، تایلند، 1990، فصلنامه تعلیم و تربیت، تک نگاشت شماره 15، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

یونسکو: آموزش وپرورش برای قرن ۲۱، ملبورن، گروه مترجمان، تک نگاشت 27.

E. laclau & C. Mouffe )5891(, Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics (London: Verso).

Edwards. R. and R. Usher: Globalization and Pedagogy. London and New York, Rutledge. 2000.

Karl, A. (2020). the Strategic Radar Model. Scanning the Business Environment. Strategic trend research involves a very wide-ranging investigation.

Sundaran, Ambi. (2001): There is nothing that is more important to One’s Future than Education.

The Death of the SWOT. (2017). Analysis and the Rise of the Strategic. blog.hellostepchange.com.

Vargas, Stalin. (2000): The Effect of Globalization and Neoliberalism on Education in Ecuador.

Walker, George. (2000): Globalization and Education, International Baccalaureate Organization, Geneva News International Report.

[www.Genevaews.com/gnir.html/current/E2 Alumni.html](http://(www.genevaews.com/gnir.html/current/E2%20Alumni.html)

[www.vcn.bc.ca/idea/Ecuador.htm](http://www.vcn.bc.ca/idea/Ecuador.htm)

Yang, T: Interreligious and intercultural dialogue in the Mediterranean Area During a period of globalization, prospects 101, 2001.

1. - Hal [↑](#footnote-ref-1)
2. - E. laclau & C. Mouffe,1985 [↑](#footnote-ref-2)